

# نوروز نام

فروردین ۱۴۰۰



## دانشتان ✓

طرحی نوین در آموزش

## توانستان ✓

ماهی نه! ماهیگیری آری!

## از مترو شوش تا ونیز ✓

شمیلا چه روزهایی را گذراند

## قصه صبح رویش ✓

(( خ . ب )) پارتی صبح رویش که بود؟





عید نوروز خیلی خوب است 😊 من فقط در عید نوروز می توانم راحت باشم 😊 من عید نوروز را دوست دارم خیلی خوب است. 😊 من در عید فقط می توانم ۸ تومان عیدی بگیرم 😊 اما همین که به فکر من هستند و برایم عیدی می دهند خیلی خوشحال می شوم 😊 وای چقدر عید نوروز را من دوست دارم 😊 فصل بهار را من دوست دارم 😊 اما بیشتر فصل پاییز را دوست دارم 😊 فصل بهار فصل خیلی خوب است 😊 حتی پسر خاله من هم در فصل بهار به دنیا آمده است 😊 دوستت دارم 😊



## ما کیستیم؟!!

مراکز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ جمعا ۹۷۹ کودک را تحت پوشش قرار داده و عهده دار آموزش و توانمندسازی آنها است. گفتنی است که به واسطه شرایط خاص تربیتی این کودکان، از همان ابتدای فعالیت موسسه صبح رویش الگوی آموزشی ویژه ای با نام الگوی رویش توسط متخصصین تدوین شده است تا با توانمندسازی آنان بستر حضور یک شهروند مطلوب و موثر در جامعه، فراهم گردد و مسیر آموزش تنها محدود به سرفصل های کتاب های درسی نشود. مدرسه صبح رویش، مجموعه ای از بهترین تیم های آموزشی، مددکاری، روانشناسی، پزشکی و مشاوره شغلی را در کنار هم جمع کرده است تا عاشقانه، در راستای پایان یافتن چرخه آسیب تلاش کنند که دنیا به محل بهتری برای زندگی کودکان کار تبدیل شود. به امید فردایی بهتر...

موسسه نسیم صبح رویش یک مجموعه غیر تجاری، تخصصی است که با هدف آموزش و توانمندسازی کودکان کار و در معرض آسیب فعالیت می کند. کودکانی که حساس ترین دوره زندگی آنان در معابر، چهار راه ها، کارگاه های غیر رسمی، کوره های آجرپزی و تولیدی های خانگی تلف می شود و خشونت، بزه کاری و اعتیاد آینده شان را به تباهی می کشاند. این مجموعه با سه مجوز رسمی آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و وزارت کشور از شروع فعالیت خود در سال ۱۳۹۳ تا به امروز، نهادی کاملاً مردمی بوده و با حمایت خیرین دغدغه مند، همچنین پشتوانه مردم اداره می شود. دبستان پسرانه و دخترانه، دبیرستان دوره اول دخترانه و پسرانه، مجموعه خاوران، جایزی (مدرسه سیار کودکان کاری که در معابر از تحصیل محروم هستند) و جوانکده (مرکز حرفه ای کسب مهارت های شغلی) هفت مرکز فعلی صبح رویش بر شمرده می شوند. این







سید محمد حسن داودی

## قصه صبح‌آرایش

سلام می‌خوام قصه نوآوری اجتماعی مدرسه کودکان کار صبح رویش رو براتون بگم، پس لطفاً به چایی خوش رنگ بریزید، بذارید کنارتون و با من همراه باشید. طرف‌های سال ۹۳ یکی از دوستانم قصد داشت تعدادی غذای نذری رو بین در و همسایه پخش کنه. از دوستم خواهش کردم تا این غذاها رو برای من بیاره و من با ماشین برم و بین بچه‌های کار در مناطق جنوب شهر تهران پخششون کنم. غذاها رو گرفتم، گذاشتم صندلی عقب ماشین و راه افتادم به سمت مناطق جنوب شهر. نزدیک یکی از پارک‌های اون‌جا چشمم به چندتا از بچه‌های کار خورد، صداشون کردم و گفتم: بچه‌ها بیاید بهتون غذا بدم. سرگرم بیرون آوردن غذاها بودم و اصلاً نفهمیدم چه اتفاقی افتاد که در عرض چند دقیقه نزدیک به صد نفر دور ماشین رو گرفتند و غذاها به سرعت تموم شد، صحنه‌ی عجیبی بود، در حدی که من ترسیدم. نقشه گوشیم رو که نگاه کردم، دیدم اینجا محله دروازه غار، جایی که با گرون قیمت‌ترین مناطق تهران، بیشتر از نیم ساعت یا چهل دقیقه هم فاصله نداره. خیلی برام عجیب شد، سال‌های سال در مناطق محروم با کمک گروه‌های مدرسه‌سازی برای کودکان بازمانده و محروم از تحصیل مدرسه ساخته بودیم و من اکثر

مناطق محروم رو از این طریق دیده بودم، راستش احساس می‌کردم با محرومیت‌های کشورم آشنا هستم اما هیچ وقت با چنین صحنه‌ای روبه رو نشده بودم. این اتفاق با این‌که تلخ و عجیب بود اما جرقه‌ای در ذهن من ایجاد

کرد. چه کاری برای این بچه‌ها می‌شه انجام داد؟! خوب یک لحظه صبر کنید تا در ادامه یه سوال از شما بپرسم:

شما هم فکر می‌کنید برای موفقیت، تخصص و یک مقدار سرمایه کافی‌ه یا پارتی هم نیاز؟! من که معتقدم همه‌ی ما به یک پارتی خیلی خیلی بزرگ نیاز داریم. معمولاً آدم‌های بزرگ رو در این جنس ماجراها با اسم مخفف صدا می‌کنند؛ اسم پارتی ما «خ - ب» بود. این پارتی بزرگ باعث شد تا آدم‌هایی کمتر از اندازه انگلستان یک دست کنار هم جمع بشن که من فقط یکی از این افراد بودم. بقیه اعضا سال‌های زیادی در شیرخوارگاه‌ها و مراکز بهزیستی به صورت داوطلبانه تلاش می‌کردند تا بچه‌هایی که از داشتن سرپرست محروم بودند، روزهای بهتری داشته باشند و زندگی راحت‌تری رو تجربه کنند. در ابتدای کار با کمک پارتی بزرگمون «خ - ب» ساختمان متروکه‌ای در محله دروازه غار به ما معرفی شد، برنامه‌هامون رو ارائه دادیم و تونستیم اون‌جا رو برای راه‌اندازی مدرسه‌ای مخصوص بچه‌های کار تحویل بگیریم.

این ساختمان مخروبه تازه اول راه بود. می‌دونستیم باید کار تخصصی و علمی کرد. به همین منظور چند تا کارگروه تشکیل شد و افراد متخصص با هم‌فکری هم یک الگوی آموزشی ویژه بچه‌های کار در صبح رویش تدوین کردند. اعتقاد ما بر این بود که فقط با آموزش میشه آینده بچه‌های کار رو تغییر داد، می‌دونید ما دنبال این نبودیم که فقط شکم بچه‌ها رو سیر کنیم یا بهشون لباس بدیم، چون احساس می‌کردیم این کار غلط و یک نوع نیاز پروریه. آینده بچه‌ها هدف ما بوده و هست پس باید یک قدم درست و اصولی برداشته می‌شد تا این بچه‌ها که در محیط‌های آسیب‌زا بزرگ میشن مسیر زندگیشون تغییر کنه، این چرخه اصلاح بشه و اون‌ها در بزرگسالی دیگه با انواع آسیب‌های اجتماعی مخصوصاً بزه و جرم دست و پنجه نرم نکنند. این آموزش جز از طریق مدرسه نمی‌تونست انقدر خوب

بچه‌ها رو یک جا جمع کنه اما یک مشکل بزرگ وجود داشت. بچه‌های کار از مدرسه فراری بودند حق هم داشتند تا اون روز در مدرسه‌هایی درس خونده بودند که معلم‌ها رفتار درست و طبیعی باهاشون نداشتند و این موضوع ذهنیت اون‌ها رو نسبت به فضای مدرسه خراب کرده بود.

کار سخت شد. باید ذهنیت بچه‌هارو تغییر می‌دادیم. پس برای شروع از قالب مدرسه بیرون اومدیم. تابستون سال ۹۴ با برگزاری انواع بازدیدها و اردوها کاری کردیم تا بچه‌ها به مدرسه‌ی خودشون جذب بشن. هیچوقت یادم نمیره اون روزی که بچه‌ها رو بردیم بازدید از برج میلاد. پای این برج خیلی از بچه‌ها دست فروشی کرده بودند و حالا قرار بود به عنوان مهمون vip ازشون پذیرایی بشه. خیلی روز جالب و خوبی بود. ما قصد داشتیم تا نگرش بچه‌ها رو نسبت به مدرسه تغییر بدیم اما در روزهای اول ذهنیت خودمون نسبت به کودکان کار تغییر پیدا کرد. در این اردو که اولین اردو مدرسه ما بود، بی‌تجربه و تازه‌کار بودیم، همچنین مثل خیلی از مردم فکر می‌کردیم این بچه‌ها درگیر مافیا، باند و بیماری‌های مختلف هستند. برای همین آماده خیلی از اتفاق‌های احتمالی شدیم. مثلاً با راننده اتوبوس احتمال درگیری و شکستن شیشه‌ها رو قید کردیم که اگر این اتفاق افتاد با بچه‌ها برخوردی نشه. اما در انتهای برنامه متوجه افکار اشتباهمون شدیم. این رو اضافه کنیم که هشتاد درصد بچه‌های کار با خانواده و سرپرست قانونی خودشون زندگی می‌کنند و فرسنگ‌ها با ذهنیتی که جامعه از اون‌ها

**شاید باورتون نشه بچه‌ها خودشون در محل کار مثلاً مترو، کارگاه‌ها، چهارراه‌ها و... به صورت چهره به چهره هم دیگه رو به درس خوندن در مدرسه‌ای کاملاً متفاوت دعوت می‌کردند. مدرسه‌ای که در اون نیاز بچه‌ها جدی گرفته میشه، به جای ریاضی، فارسی، علوم و... عدد کده، ادب کده، دهکده و خیلی کلاس‌های جذاب دیگه داره.**

داره فاصله دارند. مشکلات معیشتی، کارهای زیرزمینی، بیماری‌های صعب و العلاج اعضای خانواده، اعتیاد پدر و مادر و ... فقط بخشی از دغدغه‌های کودکان کار هست و اکثر این بچه‌ها

حاضر نیستند به خاطر پول بیشتر دست به گدایی و دزدی بزنند و به قول خودشون پول حروم کسب کنند. پس معمولاً از سنین کم با درخواست خانواده شروع به کار می‌کنند. بعد از بازدید برج میلاد اردوهای زیادی برگزار شد تا جایی که تونستیم برای سال ۹۴ حدود ۱۵۰ تا از کودکان کار رو به مدرسه بیاریم.

حس خوبی بود. شاید باورتون نشه بچه‌ها خودشون در محل کار مثلاً مترو، کارگاه‌ها، چهارراه‌ها و... به صورت چهره به چهره هم دیگه رو به درس خوندن در مدرسه‌ای کاملاً متفاوت دعوت می‌کردند. مدرسه‌ای که در اون نیازهای بچه‌ها جدی گرفته میشه، به جای ریاضی، فارسی، علوم و... عدد کده، ادب کده، عجب کده، دهکده و خیلی کلاس‌های جذاب دیگه داره.

مدرسه‌ای که دانش آموزا رو دعوا نمی‌کنه و اون‌ها نه تنها از ناظم نمی‌ترسند بلکه ناظم نقش خواهر یا برادر بزرگتر رو داره که بچه‌ها باهاشون دوست هستند و درد و دل می‌کنند. این سال با تمام سختی‌هاش گذشت و سال بعد موفقیتمون بیشتر از قبل شد. با حمایت‌های مردمی یک مرکز دیگه در منطقه ۱۷ و یک دبیرستان متوسطه اول برای پسرهامون راه اندازی کردیم که اونجا انواع مهارت‌های شغلی مثل تولید قارچ، بلدرچین، نجاری و ... یاد می‌گرفتند تا برای ساختن آینده‌ای بهتر آماده بشن. در مسیر گذشت این سال‌ها از پارتی بزرگمون «خ - ب» خیلی فاصله گرفته بودیم و تقریباً فراموشش کرده بودیم تا این‌که مشکلاتی به وجود اومد... «خ - ب» انداخت...



برای تماشای ادامه داستان این کد را اسکن کنید:



## از مترو شوش تا ونیز ایتالیا

شمیلا شیرزاد، دختری که کودکی خود را به همراه برادرش ابوالفضل در مترو گذراند. کلاس چهارمش را تمام نکرده بود که مجید مجیدی کارگردان بنام سینمای ایران برای استعدادیابی بازیگران فیلم خورشید، مهمان صبح رویش شد. آن روز قرعه معرفی مدرسه به دختر شیرین زبان آدامس فروش رسید. شمیلا با همان لبخند همیشگی شروع به معرفی مدرسه کرد و اما قدر زر، زرگر شناسد و زرگر سینمای ایران، زر خود را در صبح رویش یافت. او که دستی در استعدادیابی کودکان بازیگر دارد شمیلا شیرزاد را برای هنرنمایی در نقشی که همواره در زندگی ایفا کرده بود (دستفروش مترو)، انتخاب کرد. البته چهره شمیلا برای عده‌ی کثیری حتی خیلی قبل از درخشش در عرصه هنر آشنا بوده است. او که از ابتدای تحصیل، دانش آموز شیرین و خوش بیان صبح رویش بود، معمولاً به استقبال میهمانان می‌رفت. اصلاً خندوانه را که خاطر تان هست؟ در این برنامه بود که شمیلا به نمایندگی بچه‌های کار تندیس چوبی دست‌سازچه‌ها را تقدیم رامبد جوان کرد.



### افتخارات خورشید

دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم و فیلمنامه جشنواره فجر ۹۸

نماینده سینمای ایران در بخش مسابقه اصلی (رقابتی) شیرطلایی در هفتاد و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز

دریافت فانوس جادویی جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز

قرار گرفتن در لیست بیست فیلم برتر جشنواره ونیز و تورنتو ۲۰۲۰

نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۱ و نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی

کسب عنوان بهترین فیلم جشنواره «جیال» قطر



# شمیلا در ابتدای راه

مرداد ۹۹ خبر خوش راهیابی فیلم خورشید به بخش اصلی جشنواره فیلم ونیز خوشحالیمان را دوچندان کرد. شمیلا به پاس هنرش بلیط ورود به جشنواره بین المللی فیلم ونیز را در دست داشت. خبر رسید که گویا بهترین فیلم جشنواره فجر با فاصله ی کوتاه چندماهه نامزد بهترین فیلم جشنواره ونیز ایتالیا شده است و پس از دریافت جایزه فانوس جادویی این جشنواره حالا در راه سفر به آمریکا برای رخ نشان دادن در هالیوود و جشنواره میامی سیر می کند. دراصل چهره متفاوت او در خورشید ماندگار شد. خورشید، فیلم خوش ساخت مجیدی، روایتی از زندگی پر فراز و نشیب کودکان کار و حکایتی از مدرسه ای است که نجات دهنده آینده کودکان آسیب پذیر تلقی می شود. خورشید که تنها در جشنواره فیلم فجر اکران شده بود، سروصدایش به واسطه وجود دختر شیرین کلامی همچون شمیلا به گوش دنیا رسید. مجیدی صدای شمیلا را در سن جشنواره ها و کنفرانس های خبری بالا برد. حس حال وی بعد از اینکه بر روی سن جشنواره فجر چشم در چشم مردم در جایگاه یک بازیگر و نه به عنوان آدامس فروش ایستاد دیدنی بود. پس از آن شمیلا شیرزاد دیگر، تنها معرف مدرسه صبح رویش برای حامیان ما نیست. بلکه او از هر تربیونی استفاده کرد تا صدای بچه های کار و صدای صبح رویش به عنوان خانه دوم کودکان کار باشد.

خورشید  
k h o r

## از زبان شمیلا و مجیدی

-فراموش نکنید که در مدرسه ای که من در آن تحصیل می کنم تنها یک شمیلا نیست بلکه هزار و دویست و اندی همچون من در آنجا حضور دارند که همه آنها استعداد زیادی دارند. من هم اگر روزی بتوانم مدرسه ای درست می کنم و به بچه ها کمک می کنم. منبع/خبرگزاری موج

-من یک کودک افغان هستم که در سرزمین من جنگ است، من یک دختر افغان هستم که در کشور دیگر کار می کنم، در مترو کار می کنم برای گذران زندگیمان. امیدوارم روزی برسد که در جهان، هیچ کودک کاری وجود نداشته باشد. جشنواره فیلم فجر ۹۸ - من و امثال روح الله همه کودکان را در خیابان دست فروشی کردیم. ممنونم از آقای مجیدی و سینما که رویاهایمان را به ما برگرداند. منبع/جشنواره بین المللی ونیز

مجید مجیدی: کودکان کار موضوعی است که من سالها از نزدیک دنبال می کردم و در ایران به مدرسه ای برخورد کردم که با هدف بیرون آوردن این کودکان از خیابانها ایجاد شده تا بتواند آنها را آموزش دهد. در عین حال شمار زیادی از این کودکان مهاجران افغان هستند که سختی های کشور خودشان آنها را به ایران کشانده است. منبع/اوردز دیلی

-آنچه من از این مدرسه یاد گرفتم این بود که آموزش برای این بچه ها چقدر ضرورت دارد و می تواند به بهبودی وضعیت آنها کمک کند و برای آینده شان پایهریزی کند منبع/اوردز دیلی







## چالش های پیش روی کودکان کار

66

را احساس می کند. به عبارت دیگر الف: در مواردی، نه پدر و نه مادر به دلیل ناتوانی جسمی یا روحی نمی توانند کار کنند.  
ب: اعتیاد پدر یا مادر، مانع اشتغال به کار سرپرست کودک می شود.  
ج: کودکانی هستند که در عین سلامت جسمی سرپرست به دلیل درآمد ناچیز خانواده به اشتغال مشغول اند.  
در چنین شرایطی است که کودک خانواده بالاچار و برای تهیه مایحتاج روزانه خانواده به کارهای سخت و طاقت فرسا تن می دهد.

**چالش های اقتصادی:** کودک کار در وهله نخست، زاده اقتصاد ناقص خانواده است. بسیاری از این کودکان، نان آور خانواده خود هستند. یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کودک کار شدن بسیاری از این کودکان، مشکلات اقتصادی است که خانواده هاشان با آن دست و پنجه نرم می کنند.  
در صورت عدم مشکلات اقتصادی خانواده، بسیاری از این کودکان، به مانند سایر کودکان دیگر، به راحتی به زیست روزانه خود ادامه داده و از دوران کودکی شان لذت خواهند برد. اما به دلیل ضعف اقتصاد خانوار، این کودک کار است که به ناچار بایستی به کار بپردازد. بسیاری از والدین چنین کودکانی یا توانایی کار ندارند (از کار افتاده، اعتیاد و ...) یا پدر، مادر فوت کرده اند یا اصولاً کودک کار، نبود هر دو

در خیابان و محل زندگی با افراد متعددی در تماس اند و این تماس مکرر با افراد ناهنجار اجتماعی، احتمال گرفتار شدن آن ها را به اعتیاد فراهم می کند. از آنجا که محل زندگی این کودکان در موقعیت مکانی مناسب قرار ندارد، و این مکان ها خود از جمله مناطق آسیب پذیر به حساب می آیند، اعتیاد (و انواع بزه اجتماعی) همواره در کمین این کودکان است. تجاوز، چالش دیگری است که کودک کار با آن مواجه خواهد بود. به دلیل بالا بودن سطح ارتباطات روزانه کودکان کار در خیابان و کارگاه ها و ... ممکن است این کودکان در معرض سوء استفاده های متعدد قرار گیرند. چالش های مهم دیگر اجتماعی، به وضعیت هویتی این کودکان بر می گردد. بخش قابل توجهی از این کودکان، یا از اتباع اند یا تنها مادر آنها ایرانی است. این وضعیت موجب گردیده است که در موارد متعددی در اجتماع با مشکلات عدیده ای روبه رو شوند (مانند عدم پذیرش در مدارس، رد مرز شدن در صورت دستگیری توسط سازمان های مربوطه و ...)

**چالش های اجتماعی:** از مهم ترین چالش های اجتماعی که این کودکان با آن ها مواجهند را می توان شامل وضعیت آموزشی و تحصیل، اعتیاد، تجاوز و ... دانست. تعداد بیشتری از کودکان کار به دلیل فقر فرهنگی و فقر اقتصادی خانواده قادر به تحصیل نیستند. به عبارت دیگر، فقر اقتصادی و فقر فرهنگی، کودکان کار را با چالش های اجتماعی متعددی مواجه خواهد کرد. فقر فرهنگی آن جا مؤثر است که، هستند خانواده هایی که اصولاً جایگاهی برای کسب دانش متصور نبوده و آن را مفید نمی دانند. فقر اقتصادی نیز، که علت اثرگذاری آن واضح و مبرهن است. پرداختن به کار و تلاش برای فراهم کردن مایحتاج اولیه زندگی، مستوجب آن می گردد که فکر کردن به تحصیل برای کودک کار، جزو آخرین دغدغه های ذهنی او به حساب آید. به واقع امر، زحمت روزانه اجازه پرداختن به تحصیل را به بسیاری از این کودکان نمی دهد. اعتیاد نیز از جمله چالش های مهم دیگر است. این کودکان معمولاً

نمی دانند.  
ب: برای بسیاری از والدین این امر پذیرفتنی است که با وجود وضعیت سالم، کودک بایستی به کار بپردازد.  
ج: کار کودک برای برخی از والدین عادی است.  
از این رو می توان بیان داشت که، فقر فرهنگی خانواده های این کودکان، اگر وزنی بیشتر از وزن متغیر فقر اقتصادی نداشته باشد، کم تر از آن نیست.

**چالش های فرهنگی:** از مهم ترین چالش فرهنگی این کودکان می توان به ضعف نهاد خانواده اشاره کرد. از آنجا که اولین نقش خانواده آموختن هنجارهای قابل قبول در اجتماع می باشد، خانواده دروازه ورودی کودک به اجتماع کلان به حساب می آید. به عبارت دیگر، خانواده کلید ورود به جامعه است. اما این کودکان، به دلیل ضعف نهاد خانواده، هنجارهای مناسب اجتماع خویش را نمی آموزند. از سویی دیگر، بسیاری از اندیشه های غلط فرهنگی به دلیل عدم ارتباط این خانواده ها و کودکان با اجتماع هنجارمند، تولید و باز تولید می شود و در موارد متعددی به نسل بعد نیز منتقل خواهد شد. به عنوان مثال:

جنسی چه در خانه و چه در خیابان یا محل کار، وضعیت اقتصادی خانواده و ... لطمات جبران ناپذیری بر روح و روان کودک می گذارد. بسیاری از این کودکان با مشکل اعتماد به نفس، عدم اطمینان به دیگری، جامعه گریزی و ... مواجه اند.

**چالش های روحی و روانی:** کودکان کار به علت شرایط نامناسب خانواده، وضعیت مکانی (محل)، وضعیت محل کار و ... با آسیب های بی شماری روبه رو می گردند. محیط خانواده در این خانواده های آسیب، بیش از آن که مکان مناسبی برای التیام روحی این کودکان باشد، برعکس، مکانی است که در آن احساس آرامش نمی کنند. خشونت خانوادگی، خشونت

به عبارت دیگر، گستردگی خانوار و حتی زندگی همزمان چندین نفر در یک اتاق از مضلات این کودکان، است.  
کوچه های محل زیست این کودکان، معمولاً تنگ و باریک است. به نحوی که عبور و مرور از آن به سختی صورت می گیرد. کوچه های که به دلیل ویژگی دلان مانندشان، زمینه ساز بسیاری از بزه های اجتماعی به حساب می آیند. پارک های محل زندگی شان نیز پر از افراد معتاد و بی خانمانی است که فضای پارک را از کارکرد اصلی آن دور کرده است.

**چالش های فیزیکی (کالبدی):** چالش های فیزیکی یا کالبدی را می توان در قالب مکان زیست این کودکان خلاصه کرد. بسیاری از این کودکان، در محلاتی فقیر و آسیب پذیر زندگی می کنند. محلاتی که ابتدایی ترین شرایط زیست مناسب، در آن ها فراهم نیست. این کودکان همراه با خانواده خود، در آلودگی ها (اتاق) زندگی می کنند که بعضاً یک خانه متشکل از چندین اتاق بوده، خانه هایی که معمولاً حمام ندارند، فاقد سرویس بهداشتی مناسب اند و حتی بین تمامی ساکنین مشترک است.

... را تجربه خواهند کرد. از سویی دیگر، این کودکان به دلیل مشکلات اقتصادی به مشکل سوء تغذیه و عوارض ناشی از آن مانند کم خونی، تورم غده تیروئید، بیماری های کبدی و ... دچار خواهند شد.  
در مجموع می توان این چالش ها را به عنوان چرخ دنده های آسیب بیان کرد.  
چرخ دنده هایی که کودک کار امروز ما گرفتار آن گردیده است و رهایی از آن بسیار سخت اما غیر ممکن نخواهد بود. نقش سازمان های مردم نهاد و نهادهای دولتی می تواند بسیار مؤثر و راهگشا باشد، البته به شرط آن که یک نوع همگرایی و اتفاق نظر همراه با وحدت رویه در پیش گرفته شود.

**چالش های جسمی:** چالش های جسمی نیز، از جمله چالش های اثرگذار بر کودک کار به حساب می آید. کودکان کار، به دلیل کار در سنین کودکی، چه در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، با آسیب های متعدد جسمی روبه رو خواهند شد. کودکان کار به دلیل اشتغال به کارهای بیشماری مانند کار در کوره پزخانه ها، کار بر سر چهارراه ها، کارهای سنگین در کارگاه ها، حمل بار و ... در معرض انواع آسیب های جسمانی قرار دارند.  
کار در سنین کودکی نیز بر سلامت جسمی این افراد در سال های آتی اثر خواهد گذاشت.

به نحوی که بسیاری از این کودکان در سنین میان سالی، انواع بیماری های جسمی مانند درد مفاصل، مشکلات مربوط به ستون فقرات

# بچه‌های بهار



سلام می‌خواهم درباره‌ی سال نو بگم. سال نو مردم، هفت‌سین می‌چینند. بزرگ‌ها به کوچگ‌ها هدیه می‌دهند. و مردم لباس‌های نو می‌پوشند. و مردم صبح زود بیدار می‌شوند و برای سال نو آماده می‌شوند. در سفره هفت‌سین: سبزه، سمنو، سنجد، سکه، سرکه، سماغ، سیر است.







سارا لعل بهمن

# دانش

## طرحه نوین در آموزش

آموزش بهینه، باعث تحول عمیق در روند یادگیری دانش آموزان می شود که این موضوع از دغدغه های الگوی آموزشی مدرسه صبح رویش است. این که دانش آموز علت تحصیل خود و کاربرد یادگیری مباحث در زندگی را بداند مسئله مهمی است که سرآغاز شکل گیری دانستان در این مدرسه تلقی می شود. خوشبختانه در فاز اول این پروژه توانستیم تمامی مدارس صبح رویش در منطقه ۱۲ هرندی را تحت پوشش این روش آموزشی نوین قرار دهیم. اسفند ماه سال گذشته با اعلام شیوع بیماری کرونا تحصیل مجازی در تمامی واحدهای آموزشی کشور کلید خورد. آموزش با این شیوه نمی توانست آنطور که باید نیاز دانش آموزان به یادگیری را پوشش دهد. همچنین عدم دسترسی بسیاری از دانش آموزان به فضای مجازی مسئله ی مهم دیگری در این زمینه بود که هنوز هم با گذشت یک سال کاملاً برطرف نشده است. به همین منظور کارگروهی در مدرسه صبح رویش تشکیل و در آن طرح دانستان مورد بررسی قرار گرفت که از بهمن ماه وارد مرحله اجرایی شده است.

ایده دانستان قبل از کرونا شکل گرفت تا با این روش یادگیری را به عینی سازی وصل کنیم و دانش آموز به درک اینکه یادگیری آنان چه کاربرد و استفاده ای در زندگی دارد برسد. همه گیری کرونا سبب شد تا در این شرایط بحرانی با تمرکز بیشتر به این موضوع پرداخته و به سرعت هرچه تمام تر وارد مرحله اجرایی شویم. لغت دانستان ترکیبی از دانش، دانستن، بوستان و دبستان است. این طرح از ساختار علمی دانش، نگرش و مهارت برگرفته شده، ساختاری علمی که هدف آن چیزی جز استفاده کاربردی علوم و مهارت ها در زندگی نیست.

طرح آموزشی دانستان توسط متخصصین مربوطه در مدرسه صبح رویش تدوین شده است. تفکر نگرش، دانش و مهارت متخصصین ما را به سوی فرایند دانا باش، بینا باش و کارا باش سوق داد و این مسیر در دانستان نمود پیدا کرد. بدیهی است اگر کودکان به نحوی آموزش ببینند که در آینده از دانش خود برای بهبود زندگی بهره مند شوند، نقطه اوج یادگیری در آنان رقم خواهد خورد. دانش آموزان قبل ورود به دانستان و بعد از آموزش نکات بهداشتی وارد پنجره گفتگو شده و از پروژه های موجود به انتخاب خود یک مورد را بر می گزینند.

این پروژه ها از مفاهیم کتب درسی آنان استخراج شده است. هدف از حضور کودکان در دانا باش، ارتقا دانش فردی آنان است. دانستان، تیلستون و حلستون غرفه های موجود در دانا باش است که دانش آموز با گذراندن هر غرفه به غرفه ی بعدی راه می یابد. پس از گذراندن غرفه های دانا باش دانش آموزان وارد مرحله دانا باش، بینا باش می شوند. که در این مرحله فعالیت ها با هدف یادگیری، همکاری و همدلی با دیگران، شکل گروهی به خود می گیرد. با توجه به این که این مدرسه پذیرای کودکان کار است. با فاصله گرفتن آنان از آموزش حضوری بررسی های روانشناسی و مددکاری دانش آموزان امری مهم برشمرده شد.

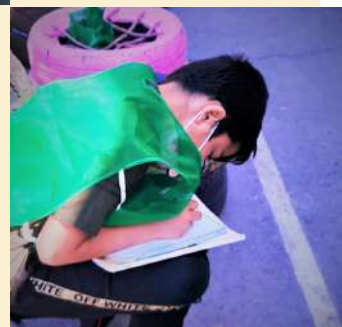
به همین دلیل آماده سازی آنان برای ورود به کارا باش و نیز کار بر روی نگرش کودکان دو هدف مهم مرحله بینا باش است. کارا باش مرحله ی کاربردی دانستان است. در کارا باش که مرحله آخر است دانش آموز از علم خود به صورت کاربردی استفاده می کند. گروه های متخصص تحت عناوین حامی یار، آموزش یار، بانی یار، روان یار، توان یار، رهیار و پژوهش یار طرح دانستان را اجرا می کنند. باید بدانیم آموزش در کشورهای توسعه یافته ی جهان از قید مکان رها شده و به سمت فضای یادگیری می رود به همین علت پژوهشگران مجموع صبح رویش در حال بررسی میدانی این روند آموزشی هستند که اگر طرح نوین دانستان از آزمایشات خود سر بلند بیرون آید در آینده وارد قالب اصلی الگو آموزشی صبح رویش خواهد شد.



آماده سازی فضای دانستان توسط بچه ها



آموزش دانش آموزان سوم تا نهم در دانا باش دانستان





# ماه نه! ماهیگیری آری! توانستار

ایده توانستان از دل کارگاه‌های جوانکده که واحد مهارت‌آموزی مجموعه است بیرون کشیده شده و طرح‌های چند مهارتی را دنبال می‌کند. مهارت‌آموزان در سه گروه زیر ۱۱ سال، ۱۱ تا ۱۴ سال و بالای ۱۱ سال وارد توانستان می‌شوند.

آشنایی با مهارت‌های شغلی از طریق بازی مهم‌ترین روش توانستان است که با توجه به تحقیقات انجام شده تأثیرات مثبتی در ذهنیت آنان نسبت به انتخاب شغل مناسب دارد. بدیهی است که کودکان کار نیز مانند سایر کودکان حق زندگی کردن و هدایت شدن در مسیر مشاغل ارزشمند برای آینده را دارند به همین منظور استعدادیابی توانستان می‌تواند آنها را به سمت آشنایی و کسب مهارت در مشاغل متناسب با علاقه و توانایی‌شان سوق دهد. به نوعی هدف از ایجاد توانستان ارزیابی علاقه‌مندی و تشخیص استعداد مهارت‌آموزان در مشاغل پیش رو دانسته می‌شود.

همچنین مهارت‌های فکری، فردی و شغلی مهارت‌هایی هستند که انتظار می‌رود هر شخص در دوران دانش‌آموزی با آنها آشنا گردد. به دلیل این‌که تعدادی از مهارت‌آموزان جوانکده از افراد محله دروازه غار بوده و از دانش‌آموزان مدرسه صبح رویش نیستند جهت تکمیل پروسه آموزشی بر آن شدیم تا علاوه بر آموزش مهارت‌های شغلی که هدف اصلی جوانکده است، آموزش دومهارت فکری و فردی را هم در دستور کار جوانکده قرار دهیم.

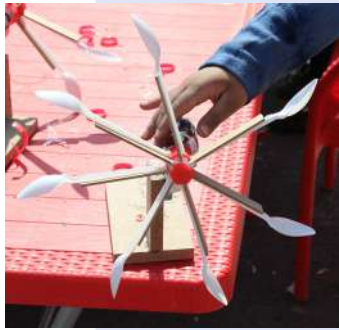
در جوانکده کلاس‌ها به ۲ شیوه برنامه‌ریزی شده‌اند. چهار روز اول هفته، کلاس‌های تخصصی از جمله خیاطی، نجاری، کامپیوتر، موسیقی و... برگزار شده و روزهای چهارشنبه و پنجشنبه به توانستان اختصاص داده شده است تا در این قسمت مهارت‌آموز ارزیابی و جذب مشاغل مورد علاقه شده و در آن زمینه آموزش‌های تخصصی ببیند.

مخاطبین هم در توانستان در ۲ گروه قرار می‌گیرند گروهی در قالب بازی‌گردانان به یادگیری مهارت‌های فردی، شغلی و ارتباطی تحت عنوان نقش‌هایی همچون بانک‌یار، کافه‌یار و مهارت‌یار می‌پردازند و گروهی دیگر در قالب بازیکنان و شهروندان عادی به یادگیری مهارت‌های لوله‌کشی، برق‌کاری، خیاطی، نجاری و... می‌پردازند و با اجرای یک پروژه چند ساعته ایفای نقش می‌کنند.

به علت درگیری کودکان کار با مسائل مالی غرفه‌هایی تعریف شده تا در حین بازی و انجام پروژه‌های مختلف، سواد مالی نیز به آنان آموخته شود. در ابتدای ورود به توانستان مهارت‌آموز به غرفه بانک می‌رود و افتتاح حساب می‌کند، در مرحله دوم از غرفه کاردان مشاوره شغلی گرفته و با انتخاب یک پروژه با توجه به رده سنی، علاقه و استعداد، برای اخذ اعتبارات به بانک ارجاع داده خواهد شد و بعد از توجیه قوانین برای تهیه مواد اولیه ساخت پروژه وارد جیرینگ مارکت شده و پس از خرید،

تعدادی جیرینگ که واحد پولی توانستان است از چک اعتباری که در دست دارد کسر می‌شود.

مراجعه به کارگاه و انجام پروژه با راهنمایی یک مربی و پس از آن ارزیابی محصول خروجی و خرید آن توسط غرفه کاردان از مهارت‌آموز، از مراحل پیش روی کودکان است. در پایان پس از فروش پروژه‌ها و دریافت جیرینگ از خریدار، مهارت‌آموز می‌تواند جیرینگ‌های خود را با مراجعه به غرفه جیرینگ مارکت خرج کرده یا با پس‌انداز در بانک در جهت بورسیه شغلی و تحصیلی آینده سرمایه‌گذاری کند.



ساخت توربین آبی جهت تبدیل انرژی

جیرینگ مارکت



برگزاری توانستان در بوستان زندگی محله هرندي

ساخت جامدادی



همکاری دانش‌آموزان در ثبت اطلاعات مشاغل



لباس گرم توزیع شده  
بین دانش آموزان نیازمند  
مورد پیگیری تیم مطب کده صبح  
رویش در خصوص مشکلات  
بهداشت و درمان کودکان

غربالگری وضعیت خانوادگی و بررسی  
اوضاع بهداشتی، معیشتی، اشتغال و مشکلات  
مددکاری و روانشناسی دانش آموزان

ارزیابی بالینی خانواده  
دانش آموزان توسط تیم روانشناسی  
با توجه به کیس ها، جلسه های گروه  
درمانی و بازی درمانی تشکیل شد.

دانش آموزانی که در طول  
سال ۱۳۹۹ در روال آموزشی  
جاذبی (مدرسه سیار کودکان کار) قرار گرفتند.

سال ۱۳۹۹

۵۹,۲۶۹

وعده غذایی  
توزیع شده بین  
دانش آموزان

بسته های حمایتی  
به خانواده کودکان در طول  
سال تحصیلی اهدا شد.

۲,۷۵۷

ایستگاه های حضور  
جاذبی در سطح شهر

تهیه و توزیع انواع  
پک های بهداشتی

۳۶

۸۰۰۰

تهیه و توزیع انواع  
پک های بهداشتی

۵۶۶

۶۷۴

۱۶۷

۵۲۰

۶۵۰

ثبت هزاران لبخند به یاری شما در صبح رویش



## آموزشی

۱۳۱,۱۸۴,۳۱۰

وامد آموزشی مدرسه، معلمین، لوازم التمریر و وسایل کمک آموزشی

## حمایتی

۶۴,۹۹۲,۱۱۰

امور درمانی، تامین پوشاک و مواد غذایی، حمایت از خانواده ها

## مهارت های اجتماعی

۴۵,۴۸۸,۳۰۵

کلینیک روانشناسی، پرورش مهارت های اجتماعی، امور ورزشی

## مرفه آموزی

۲۹,۳۱۵,۶۱۰

آموزش مهارت های فنی و شغلی

## جذب منابع و ارتباطات مردمی

۴۱,۹۶۴,۹۵۲

ارتباط با فیرین، جذب و به کارگیری همیاران داوطلب

## شفافیت و نظارت مالی

۲۲,۱۷۸,۱۲۸

نظارت و کنترل بر صرفه جویی هزینه ها، کیفیت فعالیت ها و گزارش دهی به مامیان

## پشتیبانی

۷۷,۳۰۶,۵۰۳

هزینه های عمومی و اداری، حقوقی، امور مالی

## تعمیرات و نگهداری

۴۴,۱۰۶,۴۰۸

تعمیر و نگهداری بنا، تجهیزات و تاسیسات مدارس

## توسعه کمی

۵,۲۵۶,۸۶۷

توسعه زیرساخت های فیزیکی مدارس جهت افزایش ظرفیت دانش آموزان

## مشترک مدارس

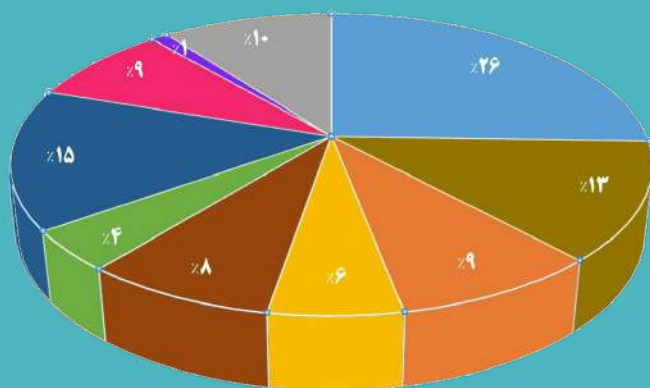
۵۲,۶۰۸,۷۴۹

هزینه های صرفه جویی و ارتقا بهره وری به صورت مشترک برای مدارس ( ثبت نام، تکثیر، وامد اداری مدارس)

## مجموع

۵۱۴,۴۰۱,۹۴۲

مبالغ به تومان می باشد







**صبح رویش یک مجموعه مستقل و مردمی است که تمام هزینه‌های آن توسط حمایت‌های مردمب تامین می‌شود. جهت حمایت از صبح رویش می‌توانید از روش‌های زیر اقدام نمایید:**

۱. حمایت نقدی موردی: شماره کارت ۶۲۷۴ ۱۲۱۹ ۴۰۰۱ ۷۶۹۲ بانگ اقتصاد نوین به نام موسسه نسیم صبح رویش
۲. حمایت نقدی مستمر (طرح شناسنامه): شما می‌توانید با پرداخت مبلغ ۵۰ هزار تومان حامی آموزش و توانمندسازی یکی از کودکان کار شوید. برای اطلاعات بیشتر به سایت صبح رویش مراجعه فرمایید. [www.Sobherouyesh.com](http://www.Sobherouyesh.com)
۳. حمایت غیر نقدی: کالاهای اهدایی مردمی اعم از دارو، مواد غذایی، پوشاک، وسایل آموزشی و... و هرگونه کمک‌های غیرنقدی جهت حمایت از دانش آموزان ما بسیار ارزشمند است. برای اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۲۸۹۷۷۰۱ تماس حاصل فرمایید.
۴. همیاری (فعالیت داوطلبانه): در صورت تمایل رزومه و مشخصات خود را به شماره ۰۹۱۲۸۹۷۷۰۴ ارسال کنید و یا جهت ثبت نام از طریق سایت اقدام نمایید.

**با معرفی صبح رویش به دوستان و نزدیکانمان به بهتر دیده شدن کودکان کار و آسیب دیده سرزمینمان ایران کمک کنیم.**

